

مهر پدر

مؤسسه:

فریب فهرمانی

انتشارات شیخ شرفی

تهران - ۱۳۹۶ خورشیدی

سرشناسه	: قهرمانی، فریبا، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: مهر پدر / نویسنده فریبا قهرمانی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات شیخ شرفی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۳ ص.
شابک	: ۹۰۰۰۰ ریال ۸-۵-۹۶۴۳۱-۶۰۰-۹۷۸
موضوع	: نثر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian prose literature -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۵۷ / ۵۴۵۹۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۸۲۶ / ۸۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۷۶۵۶۳



نام نویسنده	مهر پدر
نویسنده	فریبا قهرمانی
انتشارات	شیخ شرفی
صفحه آرا	آزیتا گدیس
طراح جلد	زیبا قهرمانی
نوبت چاپ	اول/ ۱۳۹۶
شابک	۹۰۰۰۰ ریال ۸-۵-۹۶۴۳۱-۶۰۰-۹۷۸
شمارگان	۱۰۰۰ جلد
قیمت	۹۰۰۰۰ ریال
آدرس و شماره تماس	خیابان آزادی، خیابان جمالزاده جنوبی، کوچه دانشور، ۰۲۱۶۶۵۹۱۰۷۵
آدرس ایمیل	Shaykh.sharafi@gmail.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه.....
۱۳.....	مهر پدر.....
۱۶.....	پندهای پدرانه.....
۱۸.....	آفتاب پدر.....
۲۰.....	آرزوهای پدر.....
۲۱.....	بوی نم خاک.....
۲۳.....	آزمون زمان.....
۲۵.....	خاطرات کودکی.....
۲۸.....	راز آن روز.....
۳۱.....	آخرین خواسته.....
۳۳.....	خانه پدری.....
۳۵.....	طلب شفا.....
۳۷.....	بازگشت.....
۴۰.....	نجوای فرشتگان.....
۴۳.....	سفر به سلامت.....
۴۵.....	زنگ زندگی.....
۴۷.....	پیام غم.....
۴۹.....	درد دل.....

۵۱.....	مرگ گل
۵۳.....	دلیل عشق
۵۵.....	تشنه ی باران
۵۷.....	صدای گریه
۵۹.....	چراغ خانه
۶۲.....	چراغ عمر
۶۵.....	نگاه پدر
۶۷.....	توب تاستان
۶۹.....	غرق غرق
۷۱.....	بنده ی صالح
۷۳.....	روزنه ی امید
۷۵.....	بیمار که هستی ؟
۷۷.....	سبز بمان
۷۹.....	سایه ی جدایی
۸۱.....	بیدار تا دیدار
۸۳.....	راه بن بست
۸۵.....	در سرگردانی فاصله
۸۹.....	شناخت روز عرفه
۹۳.....	عیدت مبارک پدر عزیزم
۹۶.....	مهری مهر
۹۹.....	در کوی کوچ
۱۰۱.....	از پدر آموختم

سپاس و ستایش مخصوص خدایی است که بوسیله ی قلم انسان را تعلیم داد و به او چیزهایی را که نمی دانست آموخت. سپاس فراوان خدایی را سزااست که روح خرد را در بدنمان دمید تا بوسیله ی آن این جسم خاکی را به درجات والای ارتقاء دسیم تا جایی که برگزیده ای چون پیامبر عزیزمان حضرت محمد مصطفی (صلى الله علیه وسلم) که دارای پاکترین نفوس و اصیل ترین سلاله و دارای کامل ترین صیرت و سیرت انسانی را در او خلاصه نموده است. پس درود و سلام بی پایان بر پیامبر و بارانش باد.

به هر کس که خواهد زخیل عباد

دمد روح خود را خداوند داد

که آن بنده گردد رسول خدا

بترساند او خلق را از جزا

(رفیع الدرجات ذو العرش یلقى الروح من أمره علی و یسئد من عباده لینذر

یوم التلاق) سوره ی غافر آیه ۱۵

حکایت نگارش کتابی که در پیش روی شما خواننده ی محترم است در تعامل و حس نزدیکی وجودم به خدای مهربان است. خدایی، که همیشه زیباترین و بهترین ها را برای بنده گانش می خواهد همواره ما را به سوی آن فرا می خواند.

خدای مهربان را شاکرم که مرا از وجود دو گوهر ارزشمند پدر و مادر محروم نساخت و راه دوستی و محبت به آنان را در قلبم نهاد و در کنار آرامشی که از حضورشان حس کردم

پله های کودکی و نوجوانی و جوانی، را طی نمودم و روزهای پر آرزویی را در کنارشان سپری نمودم.

درک پدر مرا بر آن داشت تا دست به قلم برم و هر آنچه را که دیگران تنها در مهر مادر خلاصه می کنند در بیانی واقعی از مهر پدر بر زبان آورم. حال که چهار سال و اندکی از کوچ پدر مهربانم می گذرد با واژه های از زندگی واقعی اش و به خازن همیشگی پدر دفتری سازم و با گذشت سال های پر برکت عمرش و جوش را دواره حس کنم و با تقدیم صدقه ای جاریه رضایت خدا را جلب نمایم.

باشد که خالق رحمان بپذیرد و قلم به ای از دریای پر مهر پدر را به تصویر کشم.

نوشته های این کتاب هر چند فصل خزان و جدایی غم از دست دادن پدر عزیزم را بیان می کند اما بوی محبت و مهرش هیچگاه فراموش نمی گردد چون واژه واژه ی آن را از پدرم الهام می گرفتم تا صحبتی می کرد دریا خاطره ای از گذشته با هم داشتیم بیاد آن لحظات برایش می نوشتم و می خواندم و برای تایید نوشته هایم با عطر مهرش لبخند را بر لبانش نمایان می کرد.

در حقیقت فرزندان نیمی از تلاش ها و محبت های پدرانه را درک می کنند مابقی آن در وجود پر صلابت پدران نهفته است که با سوختن شمع وجودشان راه ما را روشنایی می بخشند تا در آسایش باشیم و بهتر زندگی کنیم.

مرگ پدر حفره ای فراگیر در زندگی ایجاد می کند و هر چه پیوند فرزند با پدر مستحکم تر باشد زخم آن کاریتر خواهد بود و ترمیم آن نیز، دشوارتر می گردد.

اکثر پدران برای دختران پایگاه امن زندگی هستند، و برای شان خاستگاه معنا و آرامگاه روان هستند. برای چنین دژ مستحکمی که با مرگ فرو می ریزد فقدان و جوشش در زندگی آتقدر عمیق می شود که برای رهایی از این جراحت احساسات پدر میانی می کند و تا با تقدیم حسی پاک این شکاف عظیم پوشانده شود و این کوزه است که قصه ی مهر پدر آغاز می گردد و ادامه می یابد و این قصه هرگز پایانی نخواهد داشت....

در گذر جستجوی ذهن از راه های یابیم
یافتنی از نوع دیگر...

بی آنکه نیافتن را به تصویر کشم

(نریسا قهرمانی)

تهران پاییز ۹۶